

## مهدویت در قرآن

## درس دوم

**آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:**

بررسی برخی از آیات مهدویت:

آیه اول:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ...﴾

آیه دوم:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا...﴾

آیه سوم:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...﴾

آیه چهارم:

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ...﴾

آیه پنجم:

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...﴾

آیه ششم:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ...﴾

## پیش درآمد

اندیشه «مهدویت» در اسلام ریشه قرآنی دارد و این کتاب آسمانی، با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی «حق» بر «باطل» را به تمامی انسان‌ها نوید داده است. قرآن در باره ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام به صورت کلی بحث کرده و بشارت به تشکیل حکومت عدل جهانی و پیروزی صالحان داده است. مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت، این گونه آیات را - به استاد روایات اهل بیت علیهم السلام و نظرات دانشمندان اسلامی - مربوط به حضرت مهدی علیه السلام دانسته‌اند.

در این درس از مجموع آیات قرآنی - که ناظر به این موضوع است و صراحت بیشتری دارد تنها چند آیه نقل و بررسی می‌شود.

این درس در باره آیاتی از قرآن مجید است که با استفاده از سخنان گهربار معصومین علیهم السلام، در مورد حضرت مهدی علیه السلام تفسیر، تأویل و یا تطبیق شده است.

ابتدا تعریف و مفهوم این سه واژه - به صورت مختصر - بیان می‌گردد:

### ۱. تفسیر

«تفسیر» از واژه «فَسَّرَ»، به معنای روشن کردن و آشکار ساختن است و در «اصطلاح» عبارت است از: «زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است». ماده «فَسَّرَ»، در باب «تفعیل» بیانگر مبالغه در دستیابی به معنا است. از این رو تفسیر، تنها کنار زدن نقاب از چهره لفظ مشکل و نارسا نیست؛ بلکه شامل زدودن ابهام موجود در دلالت کلام، نیز می‌شود.

تفسیر، در جایی است که گونه‌ای ابهام، در لفظ وجود دارد و این موجب ابهام در معنا و

دلالت کلام می‌شود و برای زدودن آن، کوشش فراوانی لازم است.<sup>۱</sup>  
 از آنجایی که فهم پاره‌ای از آیات قرآن، بر عموم مردم پوشیده است، ناگزیر نیازمند بیان و پرده برداری است و این مهم بر عهده کسانی است که صلاحیت و توانایی چنین امری را دارند و مورد تأیید خداوند متعال‌اند.

## ۲. تأویل

تفسیر و تأویل، در گذشته دو لفظ مترادف بود؛ لذا طبری در تفسیر جامع البیان آن دو را به یک معنا گرفته و در موقع تفسیر آیات گفته است: «*القول فی تأویل الایة*». در اصطلاح متأخران، «تأویل» به معنای مغایر با تفسیر و شاید اخص از آن به کار رفته است. تأویل از «أول»، به معنای باز گشت به اصل است. تأویل یک چیز؛ یعنی، برگرداندن آن به مکان و مصدر اصلی خودش و تأویل لفظ متشابه؛ یعنی، توجیه ظاهر آن، به طوری که به معنای واقعی و اصیل خودش باز گردد.<sup>۲</sup>  
 این واژه در قرآن به سه معنا آمده است:

۱-۲. توجیه ظاهر لفظ یا عمل متشابه؛ به گونه‌ای صحیح که مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد.<sup>۳</sup>

۲-۲. تعبیر خواب؛ تأویل به این معنا، هشت بار در سوره یوسف آمده است.

۳-۲. فرجام و حاصل کار؛ بر این اساس تأویل یک موضوع؛ یعنی، آنچه که آن موضوع، بدان منتهی می‌شود.<sup>۴</sup>

معنای چهارم - که در قرآن نیامده، ولی در کلام پیشینیان هست - عبارت است از: انتزاع مفهوم عام و گسترده، از آیه‌ای که در مورد خاصی نازل شده است... از تأویل به این معنا، گاهی به «بطن»؛ یعنی، معنای ثانوی و پوشیده‌ای که از ظاهر آیه به دست نمی‌آید، هم تعبیر شده است. در مقابل «ظهر»؛ یعنی، معنای اولیه‌ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن

۱. رک: محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۲۲ و ۲۳.

۳. آل عمران (۳)، آیه ۷.

۴. کهف (۱۸)، آیه ۷۸.

معنا را می‌فهماند.

این معنا دارای دامنه‌ای گسترده و ضامن عمومیت قرآن است و موجب می‌شود قرآن شامل تمام زمان‌ها و دوران‌ها باشد؛ زیرا اگر مفاهیم فراگیر، برگرفته شده از موارد خاص، نباشد؛ بسیاری از آیات قرآن بی‌ثمر می‌شود و فایده‌ای جز ثواب تلاوت و ترتیل آن نخواهد داشت.<sup>۱</sup> بی‌گمان در قرآن، آیات متشابهی وجود دارد که باید تأویل گردد؛ ولی جز خداوند و راسخان در علم، کسی آن را نمی‌داند.<sup>۲</sup> تأویل دارای شرایط و ملاک‌هایی است که در کتاب‌های مربوط بیان شده است.

### ۳. تطبیق

در آیات قرآن، مطالب فراوانی به لفظ عام بیان شده که در هر زمان، بر عده‌ای قابل انطباق است. گاهی نیز لفظ آیه‌ای «خاص» است؛ ولی معنای آن «عمومیت» دارد و شامل کسانی نیز می‌شود که شبیه آن عمل از آنان صادر شده است. با توجه به نکات یاد شده، برخی از آیات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و انقلاب جهانی آن حضرت بدین شرح است:

#### آیه اوّل

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۳</sup>

«وهمانا، در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من، به ارث خواهند برد».

در این آیه به یکی از روشن‌ترین پادشاه‌های دنیوی صالحان (حکومت روی زمین)، اشاره شده است. در روایاتی چند، این رویداد مهم، در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته شده است.

#### واژگان آیه

- «زبور» داود (یا به تعبیر کتاب‌های عهد قدیم *مزامیر داود*) عبارت است از: «مجموعه‌ای

۱. محمدهادی معرفت، *تفسیر و مفسران*، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۷.

۳. انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

از مناجات‌ها و نیایش‌ها و اندرزهای داود پیامبر علیه السلام».

- «ذکر»، در اصل به معنای چیزی است که مایه تذکر و یاد آوری باشد؛ ولی در این آیه - به قرینه معرفی آن قبل از زبور - به کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام، (تورات) تفسیر شده است.

- «ارض»، به مجموع کره زمین گفته می‌شود؛ مگر اینکه قرینه خاصی در کار باشد.  
- «ارث»؛ یعنی، چیزی که بدون معامله و داد و ستد، به کسی انتقال می‌یابد. در قرآن کریم گاهی به معنای تسلط و پیروزی یک قوم صالح، بر قوم ناشایست و در اختیار گرفتن موهبت‌ها و امکانات آنها گفته شده است.<sup>۱</sup>

با توجه به اضافه شدن «بندگان» به «خدا»، ایمان و توحید آنان روشن می‌شود و با توجه به کلمه «صالحون»، همه شایستگی‌ها به ذهن می‌آید: عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت، و تدبیر و نظم و درک اجتماعی.

هنگامی که بندگان با ایمان، این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز یاری می‌کند تا آنان بر مستکبران غلبه یابند، دست‌های آلوده‌شان را از حکومت بر روی زمین کوتاه کنند و دارنده میراث‌های آنها گردند.

بنا براین، تنها «استضعاف» دلیل بر پیروزی بر دشمنان و حکومت بر روی زمین نیست؛ بلکه وجود ایمان و کسب شایستگی‌ها بایسته است و مستضعفان جهان تا زمانی که این دو اصل را زنده نکنند، به حکومت روی زمین نخواهند رسید.

## نکته‌ها

### ۱. آل محمد علیهم السلام

در تفسیر آیه شریفه از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَ يَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛<sup>۲</sup> «این بندگان صالح، همانا آل محمد هستند که خداوند، مهدی

۱. ر. ک: اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

۲. محمد بن حسن طوسی رحمته الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

آنان را پس از کوشش ایشان مبعوث می‌کند. پس ایشان را عزت داده، دشمنانشان را ذلیل خواهد کرد.<sup>۹</sup>

روشن است مفهوم این روایت، انحصار نیست؛ بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است و این تفسیرها، هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی‌کند. بنا براین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد.

## ۲. بشارت حکومت صالحان در مزامیر داود

در *مزامیر داود* تعبیر یاد شده و یا مشابه آن، در چند مورد دیده می‌شود و نشان می‌دهد با تمام تحریقات موجود در این کتاب‌ها، این قسمت همچنان از دستبرد مصون مانده است.

۱-۲. «... شریبان منقطع می‌شوند و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد و حال اندک است که شریر نیست می‌شود؛ هر چند مکانش را استفسار نمایی، ناپیدا خواهد شد»<sup>۱</sup>.

۲-۲. «اما متواضعانه وارث زمین شده، از کثرت سلامتی شادکام خواهند شد»<sup>۲</sup>.

۳-۲. «متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع خواهند شد...»<sup>۳</sup>.

۴-۲. «صدیقان وارث زمین شده، همیشه در آن ساکن خواهند بود»<sup>۴</sup>.

۵-۲. «خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد»<sup>۵</sup>.

در این عبارتهای، عنوان «صالحان» که در قرآن آمده، با همان تعبیر در *مزامیر داود* به چشم می‌خورد. علاوه بر این تعبیرات دیگری نیز مانند صدیقان، متوکلان، متبرکان و متواضعان، در جمله‌های دیگر ذکر شده است. این تعبیرها، دلیل بر عمومیت حکومت «صالحان» است و با احادیث قیام حضرت مهدی علیه السلام تطبیق می‌کند.

## ۳. حکومت صالحان یکی از قوانین آفرینش

باید دانست تمام این حکومت‌ها، بر خلاف جهت آفرینش و قوانین جهان خلقت است و آنچه با آن هماهنگ است، همان حکومت صالحان با ایمان است. نظام آفرینش، دلیل روشنی

۱. مزامیر داود، ۳۷، بند ۹.

۲. همان، بند ۱۱.

۳. همان، ۳۷، بند ۲۷.

۴. همان، بند ۲۹.

۵. همان، بند ۱۸.

بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده است و این همان چیزی است که از آیه یاد شده و احادیث مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

### آیه دوم

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأُورَثِينَ﴾<sup>۲</sup>

«و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم».

این آیه طبق فرمایش امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و روایاتی چند از دیگر امامان علیهم السلام ناظر به پیروزی مستضعفان بر مستکبران است و اینکه سرانجام، جهان از آن شایستگان خواهد شد. آیه یاد شده، هرگز از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل سخن نمی‌گوید؛ بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همه عصرها و قرن‌ها است. این بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر است. نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یاران آن حضرت بعد از ظهور اسلام بود.

گسترده‌ترین نمونه آن نیز، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به دست حضرت مهدی عجل الله فرجه خواهد بود.

این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی، بشارت به «ظهور» چنین حکومتی می‌دهد؛ از این رو اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آن به این ظهور بزرگ اشاره کرده‌اند. از امام علی علیه السلام در نهج البلاغه آمده است:

﴿لَتَعْظِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَظْفَ الضُّرُوسِ عَلَى وَكِدِهَا وَ تَلَّا عَقِيبَ ذَلِكَ ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ﴾

۱. رک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، صص ۵۱۵ - ۵۲۴.

۲. قصص (۲۸)، آیه ۵.

نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۱</sup>؛

«دنیای پس از چموشی و سرکشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد - به ما روی می‌آورد ... سپس آیه و «نویسد آن نمن...» را تلاوت فرموده.»

در حدیث دیگری می‌فرماید:

«هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛<sup>۲</sup> «این

گروه آل محمد عليه السلام هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود، برمی‌انگیزد و به ایشان عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.»

### آیه سوم

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۳</sup>؛

«خدا به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.»

در آیات پیش از این آیه، سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر عليه السلام است و

۱. سید رضی رحمته الله علیه نهج البلاغه، ص ۵۰۶.

۲. محمد بن حسن طوسی رحمته الله علیه، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

۳. نور (۲۴)، آیه ۵۵.

در این آیه، بحث ادامه یافته و نتیجه این اطاعت - که همان حکومت جهانی است - بیان شده است. بر اساس آن، خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، به طور ریشه‌دار و پا بر جا در صفحه زمین مستقر خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را، به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد. مردم تنها خدا را پرستیده و چیزی را شریک او قرار نخواهند داد.

بعد از این برتری و فراگیری حکومت توحید و استقرار آیین الهی و از میان رفتن هر گونه اضطراب، ناامنی و شرک، کسانی که بعد از آن کفر بورزند، به یقین فاسق واقعی خواهند بود! به هر حال مجموع آیه نشانگر این است که خداوند به گروهی از مسلمانان صالح و مؤمن، سه نوید داده است:

۱. جانشینی و حکومت روی زمین؛

۲. نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه‌ای در جهان؛

۳. از میان رفتن اسباب ترس و ناامنی .

نتیجه آنکه مردم در این دوران با نهایت آزادی، خدا را می‌پرستند، فرمان‌های او را گردن می‌نهند، هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نمی‌شوند و توحید خالص را در همه جا می‌گسترانند.

### نکته‌ها

۱. بر اساس این آیه، افرادی قبل از مسلمانان دارای خلافت روی زمین بودند؛ حال اینان چه کسانی‌اند؟ برخی از مفسران آن را اشاره به آدم و داود و سلیمان دانسته‌اند؛ چرا که قرآن دربارهٔ آدم می‌فرماید: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾؛<sup>۱</sup> «من در زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهم». دربارهٔ داود فرموده است: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾؛<sup>۲</sup> «ای داود ما تو را خلیفه در روی زمین قرار دادیم». سلیمان نیز به مقتضای آیه

۱. بقره (۲)، آیه ۳۰.

۲. ص (۳۷)، آیه ۲۶.

شانزده سوره «نمل» وارث حکومت داود بود و خلیفه در روی زمین شد.

اما برخی دیگر- مانند علامه طباطبائی<sup>۱</sup> - این معنا را بعید شمرده‌اند؛ زیرا تعبیر «الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» را متناسب انبیا ندانسته‌اند. به نظر ایشان در قرآن، این تعبیر در مورد پیامبران به کار نرفته است؛ از این رو اشاره به امت‌های پیشین است که دارای ایمان و عمل صالح بوده، در روی زمین حکومت یافتند.

جمعی دیگر معتقدند: این آیه اشاره به «بنی اسرائیل» است؛ زیرا آنها با ظهور موسی<sup>علیه السلام</sup> و در هم شکسته شدن قدرت فرعون، مالک حکومت روی زمین شدند؛ چنان که در آیه‌ای آمده است:

﴿وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَضَعِفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي

بارکننا فیها﴾؛<sup>۱</sup> «ما آن جمعیت مستضعف (مؤمنان بنی اسرائیل) را وارث مشارق و مغارب -

زمینی را که پربرکت کردیم - قرار دادیم».

و نیز درباره همان‌ها می‌فرماید:

﴿وَنُكِّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾؛ «ما اراده کرده‌ایم که قوم مستضعف (مؤمنان بنی

اسرائیل) را در روی زمین تمکین دهیم (و صاحب نفوذ و مسلط سازیم)».

۲. این وعده الهی از آن کیست ؟

در این آیه خداوند وعده حکومت روی زمین، برتری دین و آیین و امنیت کامل را به گروهی از مؤمنان و صالحان داده است. اما در اینکه منظور از این گروه چه کسانی‌اند؛ میان مفسران گفت و گو است.

برخی آن را اشاره به حکومت مهدی<sup>علیه السلام</sup> می‌دانند که شرق و غرب جهان، در زیر لوای حکومت آن حضرت قرار می‌گیرد، آیین حق در همه جا نفوذ می‌کند، ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می‌شود و عبادت خالی از شرک، برای جهانیان تحقق می‌یابد.<sup>۲</sup>

۱. اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

۲. ر.ک: محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸.

بدون شک آیه، هم شامل مسلمانان نخستین و هم حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌شود. طبق عقیده عموم مسلمانان - اعم از شیعه و اهل تسنن - آن حضرت سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌کند و او مصداق کامل این آیه است؛ ولی با این حال منعی از عمومیت و گستردگی مفهوم آن نیست.

اینکه برخی می‌گویند: کلمه «ارض» مطلق است و تمام روی زمین را شامل می‌شود و این منحصرأ مربوط به حکومت امام مهدی علیه السلام است، با جمله «کما استخلف...» سازگار نیست؛ زیرا خلافت و حکومت پیشینیان به یقین در تمام پهنه زمین نبود.

به علاوه شأن نزول آیه نیز نشان می‌دهد که حداقل نمونه‌ای از این حکومت در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای مسلمانان (هر چند در اواخر عمر آن حضرت)، حاصل شده است. گفتنی است ثمره تمامی کوشش‌های پیامبران و تبلیغات مستمر و پی‌گیر آنان و نمونه کامل حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت، در زمانی تحقق می‌یابد که حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که گفته شد این تفسیرها، به معنای انحصار مصداق آیه نیست؛ بلکه بیان مصداق کامل است. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: آن حضرت ذیل آیه شریفه چنین فرمود: «نزلت فی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ»؛<sup>۲</sup> «[این آیه] در باره قائم علیه السلام و اصحاب ایشان نازل شده است».

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد: «... این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث به رسالت گشته، تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن حضرت وارد شده، از تشکیل چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد. البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی علیه السلام».

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۵۳۰ - ۵۳۲.

۲. محمد بن حسن طوسی رحمته الله علیه، کتاب النبیة، ص ۱۷۳؛ نعمانی رحمته الله علیه، النبیة، ص ۲۴۰، ج ۳۵.

آن گاه ایشان ادامه می‌دهد: «خواهید گفت: طبق این نظریه چه معنا دارد که روی سخن را در زمان نزول آیه به ﴿الذین آمنوا و عملوا الصالحات﴾ کند، در حالی که مهدی علیه السلام آن روز نبود (نه خودش بود و نه یکی از اهل زمانش)؟

در پاسخ می‌گوییم: این سؤال ناشی از این است که پرسش کننده، میان خطاب‌های فردی با خطاب‌های اجتماعی خلط کرده است؛ چون خطاب ممکن است دو جور متوجه اشخاص شود: یکی اینکه اشخاصی را مورد خطابی قرار دهند؛ بدین جهت که خصوصیات خود آنان مورد نظر است. به طور دیگر اینکه همان اشخاص را مورد خطاب قرار دهند - نه از این جهت که شخص خود آنان مورد نظر باشد، بلکه - از این جهت که جمعیتی هستند دارای صفاتی معین. در صورت اول، خطاب از مخاطبان به غیر مخاطبان متوجه نمی‌شود و شامل آنها نمی‌گردد - نه وعده‌اش، نه وعیدش و نه هیچ چیز دیگرش - و در قسم دوم اصلاً اشخاص دخالتی ندارند و خطاب متوجه دارندگان صفات کذایی است که در این صورت به دیگران نیز متوجه می‌شود.

در آیه شریفه، خطاب از قبیل خطاب‌های دوم است که بیانش گذشت و اغلب خطاب‌های قرآنی - که یا مؤمنان را مخاطب کرده و یا کفار را - از این قبیل است.<sup>۱</sup>

در مجمع‌البیان در ذیل آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...﴾ آمده است: مفسران در اینکه ﴿الذین آمنوا منکم﴾ چه کسانی‌اند، اختلاف دارند و از اهل بیت علیهم السلام روایت شده که منظور، مهدی از آل محمد علیهم السلام است.

عیاشی به سند خود از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است: وقتی این آیه را تلاوت کرد، فرمود: به خدا سوگند! ایشان شیعیان ما اهل بیت‌اند که خدا این وعده خود را در حق ایشان، به وسیله مردی از ما تحقق می‌بخشد و او مهدی این امت است. او کسی است که رسول - خدا صلی الله علیه و آله درباره‌اش فرمود: اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از عترتم قیام کند که هم نام من است. او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، آن چنان که از ظلم و جور آکنده شده باشد. نظیر این روایت از ابی جعفر و ابی عبد الله علیهم السلام

۱. محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۰.

نقل شده است.

علامه طباطبایی در جمع بندی مباحث می‌نویسد: «از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام در این باره اخباری روایت شده است. در گذشته هم بیان انطباق آیه بر مضمون این روایات گذشت و نیز در مجمع البیان بعد از نقل روایت بالا آمده است: بنابر این مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت او علیهم‌السلام است»<sup>۱</sup>.

### آیه چهارم

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۲</sup>

هو برای هر کسی قبله‌ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می‌گرداند؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی بگیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می‌آورد؛ در حقیقت، خدا بر همه چیز توانا است.

### نکته‌ها

۱. روز جمع شدن یاران حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم‌السلام عبارت «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» به جمع شدن یاران و اصحاب حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه هنگام ظهور تفسیر شده است. امام باقر علیه‌السلام در باره این آیه فرمود:

«يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثَ مِائَةِ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَهُمْ وَاللَّهِ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَرَعِ قَرَعِ الْخَرِيفِ»<sup>۳</sup>

«منظور اصحاب امام قائم عجل‌الله‌فرجه است که سیصد و چند نفرند. به خدا سوگند! منظور از «امت

۱. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۵.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۱۳.

معدوده آنان هستند. به خدا سوگند! در یک ساعت همگی جمع می‌شوند؛ همچون پاره‌های ابر پاییزی که بر اثر تند باد، جمع و متراکم می‌گردد.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «وَذَلِكَ وَاللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ»<sup>۱</sup> «به خدا سوگند! هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند، خداوند پیروان ما را از تمام شهرها گرد او جمع می‌کند».

این تفسیر از مفاهیم بطون آیه است؛ چرا که طبق روایات، آیات قرآن گاهی معانی متعددی دارد که یک معنا ظاهری و عمومی است و دیگری مفهوم درونی و به اصطلاح بطن آیه است که جز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام و کسانی که خدا بخواهد، از آن آگاه نیستند. از منظر این روایات، خدایی که قدرت دارد ذرات پراکنده خاک انسان‌ها را در قیامت، از نقاط مختلف جهان جمع‌آوری کند؛ به آسانی می‌تواند یاران مهدی علیه السلام را در یک روز و یک ساعت، برای افروختن نخستین جرقه‌های انقلاب و تأسیس حکومت عدل جهانی و پایان دادن به ظلم و ستم، گرد آورد.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در ذیل آیه می‌نویسد: «در اخبار فراوانی از طریق شیعه، نقل شده است: این آیه دربارهٔ اصحاب قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و از بعضی استفاده می‌شود: این از باب تطبیق و جری است»<sup>۲</sup>.

### آیه پنجم

﴿بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾<sup>۳</sup>

«اگر مؤمن باشید، باقی مانده خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم».

در روایات گوناگونی آمده است: «بقیه الله» تفسیر به وجود امام مهدی علیه السلام یا برخی دیگر از

امامان علیهم السلام شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

﴿وَأَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ (بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) ثُمَّ

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱، ح ۳۷.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۶۷.

۳. هود (۱۱)، آیه ۸۶.

يَقُولُ: اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛<sup>۱</sup> «نخستین سخنی که مهدی عج پس از قیام خود می‌گوید، این آیه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ سپس می‌فرماید: «منم بقیة الله بر روی زمین».

درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب قوم شعیب بوده و منظور از «بقیة الله»، سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجودی نافع - که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد - «بقیة الله» محسوب می‌شود. بر این اساس تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ بقیة الله‌اند. تمام رهبران راستین نیز که پس از مبارزه با یک دشمن سر سخت برای یک قوم و ملت باقی می‌مانند، از این نظر بقیة الله‌اند. سربازانی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می‌گردند، آنان نیز بقیة الله‌اند.

از آنجایی که مهدی موعود عج آخرین پیشوا و بزرگ‌ترین رهبر انقلابی پس از بعثت پیامبر اسلام ص است، یکی از روشن‌ترین مصادیق «بقیة الله» و شایسته‌ترین فرد به این لقب است؛ به خصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است.

### آیه ششم

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۲</sup>

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

آیه شریفه، با همین الفاظ در سوره «صف»، آمده و با تفاوت مختصری در «سوره فتح»، تکرار شده است و خبر از رویدادی مهم می‌دهد. این اهمیت موجب تکرار آن شده است و از

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۳، ح ۱۶.

۲. توبه (۹)، آیه ۳۳.

جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین بر روی زمین خبر می‌دهد. برخی از مفسران پیروزی مورد بحث آیه را به معنای پیروزی منطقه‌ای و محدود گرفته‌اند - که در عصر پیامبر ﷺ و یا زمان‌های بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت پذیرفت - ولی با توجه به اینکه در آیه هیچ گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنای آن را محدود کنیم. مفهوم آن پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است؛ یعنی، سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا گرفته، بر همه جهان چیره خواهد گشت. شکی نیست در حال حاضر، این موضوع تحقق نیافته؛ ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. طبق روایات تکامل این برنامه، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی ﷺ ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد. شیخ صدوق رحمته الله علیه، از امام صادق رحمته الله علیه، در تفسیر این آیه نقل می‌کند:

«وَاللّٰهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ ﷺ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَّقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَأَكْسِرْنِي وَاقْتُلْنِي»؛ «به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آنکه قائم رحمته الله علیه خروج کند. وقتی او ظهور کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی‌ماند؛ مگر اینکه از خروج آن حضرت ناراحت می‌شود! حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می‌گوید: ای مؤمن! در دل من کافری پنهان شده، مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل برسان».

علامه طباطبایی رحمته الله علیه پس از ذکر این حدیث در ذیل آیه شریفه می‌نویسد: نظیر این روایت را عیاشی از ابی مقدم، از ابی جعفر رحمته الله علیه و نیز از سماعه از امام صادق رحمته الله علیه نقل و طبرسی مثل آن را از ابی جعفر رحمته الله علیه روایت کرده است. در تفسیر قمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد رحمته الله علیه نازل شده و اینکه درباره آن

حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت صدوق هم این برداشت استفاده می‌شد.

در *الدُرِّ الْمَثُورِ* نقل شده است: سعید بن منصور، ابن منذر و بیهقی در سنن خود از جابر روایت کرده‌اند که او در تفسیر آیه *﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾* گفته است: معنای این آیه، صورت وقوع به خود نمی‌گیرد؛ مگر وقتی که هیچ یهودی و مسیحی و صاحب ملتی نماند جز اسلام. و نیز صورت نمی‌گیرد، مگر وقتی که گرگ و گوسفند، شیر و گاو و انسان و مار با هم زندگی کنند و از یکدیگر ایمن شوند. همچنین واقع نمی‌شود، مگر وقتی که هیچ موشی انبانی را سوراخ نکند و واقع نمی‌شود، مگر وقتی که جزیه به کلی لغو شود و صلیب‌ها شکسته و خوک‌ها کشته شوند و این وقتی است که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید.

علامه طباطبایی پس از نقل این مطلب، در توضیح آن می‌نویسد: «منظور از لغو جزیه - به قرینه صدر روایت - این است که موضوعی برای جزیه باقی نمی‌ماند. و دلالت این روایت بر اینکه در آن روز کفر و شرکی در روی زمین باقی نمی‌ماند؛ معنایی است که روایت‌های دیگر نیز بر آن دلالت دارند»<sup>۱</sup>.

پیش از این نیز اشاره شد که برخی از دانشمندان شیعه، شمار آیات مربوط به «مهدویت» را افزون بر ۱۲۰ ذکر کرده‌اند که می‌توان به کتاب‌های مفصل در این زمینه مراجعه کرد.<sup>۲</sup>

۱. تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۹۲.

۲. ر. ک: سید هاشم بحرانی، سیمای حضرت مهدی پیغمبر قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی.



### منابع برای پژوهش:

۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، (دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ هـ. ش).
۲. سید هاشم بحرانی، سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، چ سوم، (نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶ هـ. ش).
۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، چ چهارم، (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ هـ. ش، ذیل آیات فوق).
۴. علی صفایی کاشانی، اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، (مفید، تهران، ۱۳۷۶ هـ. ش).
۵. محمود شریعت‌زاده خراسانی، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و عترت، (دارالصادقین، چ سوم، ۱۳۷۹ هـ. ش).
۶. محمدجواد مولوی‌نیا، سیمای مهدویت در قرآن، (امام‌عصر علیه السلام، قم، ۱۳۸۱ هـ. ش).